بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

مطهرات حکم اوانی و ظروف جلسه14 مساله5 و6و7..12/4 1400

( فصل : فی الاوانی - حکم ظرفهای ملبس به طلا و نقره - حکم ظرفهای نقره کاری شده )

مساله چهارم : ظرفهایی که از برنج یا سایر فلزات ساخته شده است ملبس به طلا و نقره است ، سید در اینجا به دو صورت مساله را بیان کردند :

صورت اول : برنج یا سایر فلزات به طوری روکش طلا و نقره گرفته که اگر هر کدام را بخواهید جدا کنید یک ظرف مستقلی می شود چون از قبیل ظرف درون ظرف می باشد و همان اختلافی که بین فقها بود که عده ای می گفتند اکل و شرب از ظرف طلاو نقره جایز و دیگری ادعای مطلق استعمال حرام است در اینجا هم جاری است

صورت دوم : از قبیل قطعه های جداگانه به صورت زنجیر یا حلقه است که استعمال آن حرام نیست مرحوم صاحب جواهر فرمودند لا اجد فیه خلافا مگر اینکه مرحوم شیخ طوسی در خلاف فرقی بین این ظرف و ظرف طلا و نقره نگذاشته است و به طور مطلق فرمود استعمال از این ظروف کراهت دارد و منظور از کراهت یعنی حرمت دارد در این زمینه دو روایت وارد شده که هر دو صحیحه است :

یک : صحیحه عبد الله بن سنان که از امام صادق (علیه السلام )که امام فرمودند لاباس أن یشرب الرجل فی القدح المضض و اعزل فمک عن موضع الفضة اشکالی ندارد مرد در ظرف آب نقره کاری شده شرب کند اما دهان را به جای نقره نزن

دوم : صحیحه ، عن معاوية بن وهب قال: سئل أبو عبد الله عليه السلام عن الشرب في القدح فيه ضبة. من فضة، قال: لا بأس إلا أن يكره الفضة فينزعها. که از حضرت درمورد آشامیدن ظرفی که حلقه ای از نقره دارد پرسیده شد حضرت فرمود اشکالی ندارد مگر از آن قسمتی که نقره دارد و آن نقره را بکنند ، وسائل ج ۲ ص ۱۰۸۶ ح ۴و۵ باب ۶۶ ابواب نجاسات

با وجود این دو صحیحه رفع ید می کنیم از ظاهر روایاتی که ما را از استفاده از ظروف طلا و نقره نهی می کنند و حمل بر کراهت می کنند و فتوای به احتیاط مستحب بر ترک استفاده از ظرفهایی که حلقه نقره بسته می دهیم

مساله پنجم : ظرفهای مفضضه و مطلیه و مموّهه ، مُفَضَّض در فارسی نقره کاری می گویند به طوری که نقره با غیر نقره تمییز داده می شود

اما مُطلّیٰ و مُموّه هر دو به معنای ظروفی که آب طلا و نقره گرفته است می باشد یعنی رنگ طلا و نقره گرفته حال فتوای فقها این است که استفاده از این ظروف حتی برای خوردن و آشامیدن اشکالی ندارد اما کراهت دارد چون دو دسته از روایات وارد شده است :

دسته اول : خوردن و آشامیدن از این ظروف را منع کرده مثل صحیحه حلبی از امام صادق علیه السلام که لا تاکل فی انیة من فضة و لا فی انیة مفضضه

دسته دوم : روایاتی که اکل و شرب را از این ظرفها را جایز دانستند جمع بین این دو دسته ایجاب می‌کند که نهی در روایت حلبی را حمل بر کراهت شود

اشکال مهم : که چگونه از یک روایت در یک جا نهی را حمل بر حرمت و در جمله دیگر حمل بر کراهت می کنید ؟ در صحیحه حلبی لا تاکل فی انیة من فضه را حمل بر حرمت و جمله لا فی انیة مفضضه را حمل به کراهت کردید ؟ به چه صنعتی ؟ و یا درخبر حلبی آمده کَرِه ای الصادق علیه السلام ، آنیة الذهب و الفضة و الانیة المفضضة که یک کره امده و دو معنا کردید یکی استفاده از ظرف طلا و نقره را حرام و دوم استفاده از این ظروف را مکروه گرفتید ؟ یا نقره کاری را مکروه گرفته اید ؟ وجوهی ذکر شده است :

وجه اول : کلمه کره و نهی بین حرمت و کراهت مشترک لفظی است و چرا مشترک لفظی گرفته اید در پاسخ می گوییم که گرفتار حقیقت و مجاز نشویم که کسی بگوید حقیقت حرمت و مجاز مکروه است بلکه این طور نیست کره یک لفظ و دو تا موضوع له دارد یکی حرمت و دیگری کراهت پس هر دو حقیقت است

وجه دوم : در یکی به نحو حقیقت که نهی حقیقت در حرمت و در دیگری به صورت مجاز استعمال شده ادعایش این است که امام (علیه السلام) در معطوف به جای اینکه لا تاکل بگویند و لا فی انیة مفضضه گفته اند اگر دوباره می فرمودند لا تاکل حمل بر حرمت می شد اما نفرمودند و فقط به لا اکتفا کردند

وجه سوم : و هو المختار که بین کراهت و حرمت مشترک معنوی است و یک معنای جامعی است که کلمه نهی و صیغه نهی و کلمه کره در روایات برای آن معنای جامع وضع شده بنام ممنوعیت و مبغوضیت اما این ممنوع و مبغوض دو فرد دارد یکی کراهت و دیگری حرمت و امتیاز هر کدام محتاج به قرینه معینه است و در اینجا قرینه داریم که استفاده از ظرفهای نقره کاری و دارای آب طلاو آب نقره جایز است که هم اجماع و هم روایات آمده و قرینه می شود که معطوف یعنی و لا فی انیة مفضضه حمل بر کراهت و لا تاکل فی انیة من فضه که معطوف علیه است حمل بر حرمت می شود اتفاقا روایات ناهیه هم قرینه می باشد